

۱۱۰۰۸۲۸

۴۰۳

سند
مستند

بتاریخ ۱۳۵۲/۱۲/۲

محضر مقدس آیت‌اله العظمی آقای طالقانی ادام‌اله‌ظله

نسخه ثانی شرحی را که به محضر حضرت آیت‌العظمی امام خمینی عرض کرده و اجمالی از فساد دادگستری را در آن متذکر شده‌ام به محضر مقدس آن آیت‌العظمی تقدیم می‌دارم امید است با مطالعه آن توجه به اوضاع دادگستری فرموده و به اصلاح آن توجه خاص مبذول خواهید فرمود. تقاضا دارم مراتب ارادت را پذیرفته و از درگاه خداوند بزرگ توفیق خدمت و رستگاری در دنیا و آخرت برایم مسئلت نمائید.

والسلام علیکم ورحمت‌اله وبرکاته

مهدی عظیمی

آدرس - خیابان ایران نوین (آریامهر) خیابان کاج شماره ۲۵ تلفن ۶۵۵۱۵۲

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

ساحت مقدس ایت اله العظمی الامام الموقد روح اله الموسوی الخمینی ادام اله ظله
 در این موقع که بر اثر مجاهدت علما و اطام بالخاص آن زعم عالی مقام و از جان گذشتگی و
 فداکاری ملت فیروز ایران بساط فرعون برچیده شده و حق بویا ظل قلبه نموده جمهوری اسلامی
 یعنی حکومت عدل و انصاف جای استبداد و فساد و تهاوی را گرفته و زیور بنای آئینه ایران
 در شرف تکوین است بر هر فرد ایرانی واجب است آنچرا که از حوفه و از کارکرد خود با تجربه
 در سالیان متبادی اندوخته است بمحضر مقدس آن رهبر طایق در عرضه بدارد زیرا باید زیور بنا
 اساسی و محکم ساخته شود تا از آن نتایج مطلوب بدست آید و زبان و خسوان نصیب ملت نگردد
 مثلی است معروف - خشک اول گر نهد معمار کج تا ثوبا میرود دیوار کج بنا بر این بایستی زیور بنا
 محکم و آهنین باشد تا نتایج مطلوب به بار آرد بنده گنه کار که زائد بر سی سال در دادگستری
 ایران خدمت نموده و صریح به قضاوت اشتغال داشته از هر فردی به معایب دادگستری وارد تر
 بوده فلذا بالصریح عرض مینمایم که این دادگستری با قضاتیکه به حل و فصل امور مشغولند
 جوابیده مراجعات مردم نبوده و انتظار صدور احکام مضمن احقاق حق از طرف این قضات اشتباه
 محض است زیرا در درجه اول قضات حاضر در کاخ جلال و جبروت دادگستری بیسوادند توضیحا
 اینکه فاقد سواد عربی بوده و از فقه اسلامی بی اطلاع میباشد اطم آنها کسانی هستند که در
 مملکت فرانسه و یا ممالک دیگر تحصیل نموده و دکترا اخذ کرده این اشخاص میخواهند در مملکت
 اسلامی با قوانین فرنگی برای مسلمین قضاوت نموده حکم صادر نمایند در صورتیکه قاضی مملکت
 اسلامی بجای دکترا مالک خارجه بایستی از فقه اسلامی اطلاع داشته لا اقل باب معطلات
 و اجاره و استیجار و نکاح و طلاق و ارث و وصیعت را بالاجمال در یکی از کتابهای فقهی خوانده
 باشد متأسفانه بایستی بفرموده بوسانم که آقایان قضات ایران یک صفحه از کتب عربی را نمی توانند
 بخوانند اگر در صحت این عرض بنده تردید باشد امر فرمائید از هر شعبه دیوان عالی کشور
 یک نفر بحضور مبارک باریابند و قرائت کتابی از کتب عربی را به فرد فرد آنان تکلیف فرمائید
 تا صحت عرض در این باره مستند به دلیل گردد مضافاً " بر این از همین بنده فاقد سواد جمعی
 ضو فراماسین و برخی نیز ساواکی بوده و هستند با این همه معایب اگر در رسیدگی دقت
 میکردند و مستندات طرفین دعوا و محتویات پرونده ها را میخواندند محلی برای انماض بوده ولی
 چون دقت هم نمی نمایند لذا احکامی که بعضاً " با محتویات پرونده تطبیق نمی نماید صادر میکنند -
 رفیق بازی و نفوذ خارجی و مرجعین مراجعین و وکلای آنان نیز از ظل پشرفت دعاوی بوده و جای

احقاق حق را گرفته است ظل و جهات دیگری نیز از موجبات پیشرفت دعاوی در دادگستری است که از بیان آنها خودداری مینمایم و بر میگردم به پیدایش دادگستری در ایران بر احدی پوشیده نیست قبل از اینکه مرحوم مظفر بن شاه قاجار فرمان مشروطیت صادر نماید حکام در ولایات و استانها به دعاوی مراجعین رسیدگی کرده قطع و فصل مینمودند و بعضاً " نیز با جلب نظر قضات شرع که اغلب آنها نیز مردمان خوبی نبودند این کار را انجام میدادند اینکه نوشتیم اغلب قضات شرع آن زمان مردمان خوبی نبودند از این نظر است در آن زمان علمای واقعی و متقی اصالت دولت را ظلمه میگفتند و با آنان همکاری نمیکردند لذا ملا نماها بودند که به قضاوت شریعت تن در میدادند که اغلب ایشان سواد کافی برای قضاوت نداشتند و فاقد صلاحیت اخلاقی نیز بودند بنابراین در این دوره از زمان نیز احقاق حق در این مملکت که منظور شارع مقدس است وجود نداشت خلاصه بعد از صدور فرمان مشروطیت وزارتخانه های یکی بعد از دیگری تشکیل گردید و وزارتخانه ای نیز بنام وزارت عدلیه اعظم بوجود آمد که در آن عده ای از علما و فقها حتی از مجتهدین جمیع طایفه شریعت شریعت به کار کرده و بحل و فصل امور مشغول شدند هر چند این اشخاص سعی میکردند حقی بدست آنان تضمین شود و شاید هم کمتر کسی در آن زمان به دادگستری مراجعه کرد و به حق خود نرسید ولی قوانین توجه شده از بلژیک و فرانسه که اصول محاکمات را در رسیدگی به دعاوی تعیین میکرد موجبات بطور کار و احقاق حق را فراهم میآورد معالوف مردم راضی بودند زیرا میگفتند در دادگستری احقاق حق بعمل میآید منتهی صریح میخواید که آدم به حش برسد این ضربالمثلی شده بود در میان مردم در آن اوقات این وضع هم چندان دوام نیاورد رفته رفته جای علما و قضاة را متفدین و وابسته های آنان گرفته و صندوقهای ریاست دادگستری و مقام های طالبه قضائی را به اشغال خود درآوردند که نه صلاحیت علمی داشتند و نه صلاحیت اخلاقی در این زمان بود که رشوه به دادگستری راه یافت و فساد و تباهی از حد و حصر گذشت تا جائیکه در سال ۱۲۰۵ هجری که مرحوم داور به وزارت دادگستری منصوب گردید با اندک مطالبه دریافت که با آن عده که در دادگستری مشغول به قضاوتند نمیتوان به بهبود وضع دادگستری امید وار بود لذا با اخذ اختیار از مجلس دادگستری را منحل نموده تشکیلات نوئی بوجود آورد عده ای از طلاب فاضل و فقها را به همکاری دعوت کرد و حقوق ایشان را نیز زیادتر نمود دادگستری جدید در اواسط سال ۱۲۰۶ هجری به کار کرد و اصلاحاتی نیز در اصول محاکمات بعمل آورد لذا تا حدودی رسیدگی به دعاوی بطور سریع انجام گرفت و از تضییع حق نیز تا اندازه ای گاسته شد تشکیلات داور با رفتن او از دادگستری روبه انهدام گذاشته دوباره فساد و تباهی به داخل دادگستری رسوخ کرد فضلا و علما که داور به دادگستری دعوت کرده بود رفته رفته یا

به رحمت ایزدی پیوستند و یا بازنشسته شده از کار برکنار گردیدند از آن به بعد دادگستری به دست یک فده لیسانسیه و یا دکو که از مبانی رسیدگی اسلامی اطلاعاتی نداشته افتاد این بوده که دادگستری به وضع حاضر بطوریکه در همین مشروح به عرض رسانده ام در آمد یعنی قرائت محتویات پرونده منسوخ شد و احقاق حق وظیفه دادگستری است فراموش گردید رفاقت با قاضی و نفوذ متداین و وکلای آنان و توصیه مقامات بالا جای گزین احقاق حق شد بنابراین بایستی چاره ای برای حال و آتیه اندیشید و راهی بی نظر بنده حقیق این است که دادگستری را منحل نموده جمعی از اشخاص ذیصلاحیت و بی فرض به سوابق اخلاقی قضات و اندازه اطلاعات قضائی آنان رسیدگی نموده هر کس را که صلاحیت او از دو نظر یاد شده تأیید گردید در پست خود ابقا نموده و بقیه را بازنشسته کرده از سر وجود آنان مردم را برهانند و نیز عده ای از فقها و علما را دعوت کرده در دادگستری از وجود آنان در مقام قضا استفاده فرمایند مخصوصاً "ریاست دیوان عالی کشور را بیکه از مراجع تقلید و یا یکسکه از علما و مراجع تقلید انتخاب شود بپارند و در رأس توه قضائیه قرار دهند و بلا برای آتیه نیز در تربیت قاضی بکوشند در درجه اول مقرر گردد در دانشکده حقوق فصل معاملات و نكاه و طلاق و اجاره و استیجار مخصوصاً " به زبان عربی تدریس شود هر چند این عمل قبلاً " نیز متداول بوده ولی دقت کافی در تعلیم و تفهیم آن به دانش آموزان و محصلین بعمل نیامده بنابراین از این پس امتحان این درس مخصوصاً به علما و اگدار فرمایند تا در آتیه مملکت دچار کمبود قاضی نگردد و امر احقاق حق نیز مختل نشود زیرا فرموده اند **الملك یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم** و تضحیح حق بالاترین مظالم است -

بی مناسبت نمیدانم شرحی را که به جناب آقای و بزرگان نوشته و وسیله تلگراف خدمتشان فرستاده ام چون در آن مشروح نیز اشاره به رسیدگی در دادگستری شده است در پیوست این عریضه تقدیم - بنمایم - با عرض معذرت مستدعی ام مراتب اذیت مورد قبول قرارداد از درگاه خداوند کریم و رحیم توفیق خدمت و رستگاری در دنیا و آخرت برایم مسئلت نمائید . والسلام علیکم ورحمت اله و برکاته - مهدی عظیمی

آدرس - خیابان ایران نوین (آریامهر) خیابان کاج شماره ۲۵ تلفن ۶۵۵۱۵۷

شماره پنجم راز کبری

۱- قیام لایزال و قیام راز کبری استقامت است و هر که بر

نیزه راد

۲- بره سوسه که از آن و لب لب که فضیلت استقامت

شیر که در وقت که هر که در وقت که هر که

۳- هر که در وقت که هر که در وقت که هر که

تکمیل و تحقیق است که در وقت که هر که

و در وقت که هر که در وقت که هر که

هر